

بسم الله الرحمن الرحيم

## اصول و روش‌ها

همان طور که به یاد دارید ما بعد از این که تربیت خانوادگی را هم در قواعد کلی و هم در ساحت های خاص آن و احکام و اصول و قواعد فقهی در این حوزه را بررسی کردیم یک اموری در حوزه روش‌ها و بعضی نکات ویژه باقی ماند که این مباحث امسال ما تکمله‌ای بود برای کلیت مبحث تربیت خانوادگی با نگاه فقهی، در این تکمله در سال جاری به سه چهار موضوع اشاره کردیم، مثلاً تبعیض و آن نگاهی که به بحث اولاد در قرآن و متون دینی آمده است و نکاتی از این قبیل بود.

## دعا والدین برای فرزند

یکی از بحث‌ها همان مبحث دعا بود و به دلیل این که دعا به عنوان یک روش تلقی می‌شود و یک وظیفه‌ای تلقی می‌شود که به شکلی وظیفه تربیتی هم به حساب می‌آید از این جهت کمی مبسوط به آن پرداختیم و نکاتی در حوزه روایاتش باقی مانده است که امروز عرض می‌کنیم، در بحث دعا عرض کردیم که هم در قرآن و هم در روایات دعا نسبت به اولاد مورد توجه قرار گرفته است.

## «دعا برای فرزند» در قرآن

در قرآن و کتاب ادله را ملاحظه کردید و اهتمام عنایتی که به بحث دعا بود کم نبود، چه در این که صاحب اولاد صالح شود و چه دعا برای اولاد بعد از فرض وجود و تولدشان که هر دو در قرآن مصداق داشت و آیات متعددی بود و دلالت های روشنی هم داشت و به استحباب خیلی واضح و مؤکد آن هم در اصل اولاد دار شدن با قید اولاد صالح استحباب قابل استفاده بود و هم در دعای برای اولادی که وجود پیدا کرده‌اند و در دعای برای اولاد هم عرض عریضی وجود داشت که همه آن‌ها در آیات بود، دعا چه برای امور مادی و معیشت و زندگی مادی آن‌ها و چه برای امور روحی و معنوی آن‌ها و چه برای مسائل آخرت و مغفرت نهایی و امثال این‌ها. این‌ها چیزهایی بود که در آیات قرآن همه این مباحث به طور خیلی ریز و دقیق و جامع وجود داشت و شما اگر این را با بعضی از چیزهایی که در قرآن اصلاً گفته نشده است مقایسه کنید می‌بینید که وقتی به دعا می‌رسد این قدر بر آن تأکید شده است و بعد مورد استجاب قرار می‌گیرد و جهت‌گیری تربیتی و آینده‌بینی برای فرزند در آن ملحوظ است آن هم نشان می‌دهد که به هر حال در

طراحی تربیتی و اهتمامات تربیتی اسلام به بحث دعا ولو این که واجب نیست و مستحب است اما یک عنایت خاصی است یعنی حجم آیاتی که در این زمینه بود حجم بالایی بود، سنت و سیره اولیای الهی و انبیا در این جا خیلی برجسته بود، این در آیات است که در چند جلسه بحث شد و ملاحظه کردید.

## روایات در دعا برای فرزند

عرض شد، مرحوم حرّ عاملی در کتاب و سائل بعد از افعال نماز که به تشهد و سلام پایان پیدا می‌کند، بعد از آن چهار باب بسیار مهم دارد که یک باب همان تعقیبات است و یک باب ابواب دعا است و یک باب هم ابواب ذکر است و البته سجده شکر و شکر گذاری هم هست. این سه چهار بخش و سائل است که در بین کتاب الصلوه آمده است، بحث قرائت قرآن هم در ضمن کتاب الصلاة آمده است در حالی که اینها مباحث مستقل هستند و هویت مستقل دارند، هم بحث قرائت قرآن که در ضمن قرائت در نماز آمده است و یک بحث مستقلی است. این جا هم تعقیبات ادامه صلوه است ولی دعا و شکر و ذکر که به صورت ابواب خیلی موسعی هم آمده است اینها بحث های مستقل و دامنه دار است و همه با قطع نظر از بحث نماز هم ارزش دارد. می‌دانیم که و سائل ناظر به فقه است و از طهارت شروع کرده و به دیات ختم می‌شود اما ابواب بسیار مهمی داریم که در این و سائل آمده است و مباحث فقهی دارد اما آن‌ها به مناسبتی در یک جایی از و سائل قرار گرفته است، علتش هم این است که تقسیم‌بندی فقه کشش جامع را برای خیلی از ابواب اجتماعی یا اخلاقی یا تربیتی نداشته است و اینها حالت استطرادی پیدا کرده است.

## دعا برای سایرین

اگر در ابواب دعا وارد شوید می‌بینید یک مبحث این است که اصولاً دعای برای دیگران یک امری است که خیلی مورد ترغیب قرار گرفته است، در همین ابواب دعا باب ۴۱ تا باب ۴۴ مقوله بسیار مهمی در تفکر اسلامی و احکام دینی ما است که علاوه بر استحباب دعا که در ابواب قبلش ملاحظه می‌کنید و بدون هیچ قیدی است و می‌گوید برای امور کوچک هم دعا کنید، اما ما حجم وسیعی از روایات را داریم که به دعای برای مؤمن ترغیب کرده است به خصوص در پشت سر او و کم نیست ادله‌ای که به این دعای برای دیگران و پشت سر دیگران ترغیب کرده است و توصیه می‌کند که دعای خودتان را از آن جدا نکنید و دعای برای دیگران موجب استجابت برای خودتان هم می‌شود، این یک مبحث است که در باب ۴۱ عنوان این است: **بَابُ اسْتِحْبَابِ الدُّعَاءِ لِلْمُؤْمِنِ بظَهْرِ الْغَيْبِ وَ التَّمَّاسِ الدُّعَاءِ مِنْهُ** که روایت اولش

روایت معتبر است که می‌فرماید «دُعَاءُ الْمَرْءِ لِأَخِيهِ بظَهْرِ الْغَيْبِ يُدْرِي الرِّزْقَ وَ يَدْفَعُ الْمَكْرُوهَ»<sup>۱</sup>، روایات متعدد و معتبری که بر دعای برای دیگران تأکید شده است و به‌خصوص این که دعا پشت سر او باشد و غائب باشد، این در یک باب است. باب بعدی دارد که استِحْبَابِ اخْتِيَارِ الْإِنْسَانِ الدُّعَاءَ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الدُّعَاءِ لِنَفْسِهِ که می‌گوید دعای دیگری را مقدم بر دعای برای خود قرار بده و آن را ترجیح بده که در این باب هم ده پانزده روایت وجود دارد و تأکید شده است چون این‌ها متعدد است و خیلی از آن‌ها هم معتبر است و مستقیم بحث خاص ما نیست من وارد جزئیات نمی‌شوم ولی هم‌اشار روایت معتبر دارد. این هم باب ۴۲ است که به این مقوله پرداخته است. باب ۴۳ عنوانش استِحْبَابِ الدُّعَاءِ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ است و این که دعای برای مؤمنین بکند و این دعا را بر دعای برای خودش مقدم بدارد، در روایت معتبری می‌فرماید که «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ دَعَا لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ مِثْلَ الَّذِي دَعَا لَهُمْ بِهِ»<sup>۲</sup> و ترغیب‌های خیلی مفصلی که نسبت به این مسئله شده است. در روایت پنجم باب ۴۳ آمده است که «مَنْ دَعَا لِأَخْوَانِهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ - وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ كَلَّ اللَّهُ بِهِ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَلَكَاً يَدْعُو لَهُ»<sup>۳</sup>. این روایت اطلاق دارد هم با عنوان کلی شامل می‌شود و هم به اسامی شامل می‌شود، دَعَا لِلْمُؤْمِنِينَ يَا لِلْمُسْلِمِينَ و امثال این هم شامل این می‌شود که به عنوان کلی بگوید یا به عنوان خاص بگوید یعنی اسامی بگوید، اطلاق دارد.

### دعا برای والدین و ولد

این یک مقوله است که اطلاقش طبعاً دعای برای غیر و دعای برای مؤمنین و والدین و ولد و امثال این‌ها را هم شامل می‌شود، این یک مقوله عام است که بر بحث ما منطبق می‌شود. از این که بگذریم دعای برای ولد و برای والدین خود یک عنوانی است که در باب ۴۴ است، پس آن یک بحث عام بود که این جا را هم شامل می‌شود ولی به طور خاص ما در چند جای وسائل روایاتی را داریم که به بحث دعای للوالدین و للولد اشاره کرده است و مفید استِحْبَابِ و ترغیب نسبت به این امر است، در کتاب الصلوة ابواب دعا باب ۴۴ به همین بحث پرداخته است که روایات متعددی دارد مثلاً روایت اولش که معتبر است این است که امام صادق می‌فرمایند که كَانَ أَبِي يَقُولُ يَعْنِي إِمَامَ بَاقِرٍ مِي فَرَمُودُنْدُ «خَمْسُ دَعَوَاتٍ لَا يُحِبُّنَ عَنِ الرَّبِّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - دَعْوَةُ الْإِمَامِ الْمَقْسُطِ - وَ دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - لَأَنْتَقِمَنَّ لَكَ وَ لَوْ بَعْدَ حِينٍ وَ دَعْوَةُ الْوَالِدِ الصَّالِحِ لَوَالِدِيهِ - وَ دَعْوَةُ الْوَالِدِ الصَّالِحِ لَوَالِدِهِ - وَ دَعْوَةُ الْمُؤْمِنِ لِأَخِيهِ بظَهْرِ الْغَيْبِ فَيَقُولُ

۱ - وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۰۶.

۲ - همان، ص ۱۱۴.

۳ - همان، ص ۱۱۵.

وَلِكَمْ مِثْلَهُ»<sup>۴</sup> و مضامینی از این قبیل در همین باب و ابواب دیگر است که به استجاب این دعا اشاره کرده است، این روایات معتبر است.

(یا باید مؤمن باشد و یا دعا می‌کند که مؤمن شود، این اطلاق دارد.) برای این که مشرک را با فرض این که مشرک است بخواهد بگوید که ببخش، آن فقط همین را می‌گوید، اما این‌ها اطلاق دارد دعا می‌کند که اگر او مشرک است مؤمن شود که این مانعی ندارد.) (انصراف در این نباید باشد ولی شاید مقیدی وجود داشته باشد که آن را باید بعداً ببینیم.) (این جای این است که مطالعه شود ولی ظاهراً اطلاقاتی در امور مادی داریم، در امور معنوی هم قطعاً جایز است و درست است و هیچ مانعی ندارد ولی با فرض این که مشرک است بخواهد دعایی کند برای بهشت رفتن که این چیز مسلمی است که مقبول نیست و هیچ رجحانی هم ندارد.) (به نظر می‌آید این‌ها اطلاق دارد، به خصوص که در خیلی جاها این‌ها مقابل هم قرار گرفته‌اند، مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات که آن‌ها قابل مغفرت هستند ولو این که انحرافی هم در آن‌ها باشد.)

## جایگاه دعا در فقه

بحث دعا یک بحث فقهی مهم است ولی چون جایی در فقه ندارد کسی آن را بحث نکرده است و الا خیلی دقائق فقهی در آن است از جمله همین سؤال‌هایی که مطرح می‌شود و واقعاً جای کار دارد، به لحاظ این که بعضی از جاهایش حتی ممکن است جایز نباشد، منتها چون بحث ما نیست فعلاً به آن نپرداختیم و از حیث بحث خودمان به آن می‌پردازیم گرچه بحث مهمی است.

## اطلاق روایات در «استحباب دعا برای فرزند»

پس در خصوص فرزند طوایفی داریم و یک طایفه‌اش همین است که در باب ۴۴ ابواب دعا آمده است، سؤالی که در باب این طایفه وجود دارد این است که این طایفه می‌گوید این دعاها مستجاب می‌شود و آیا می‌شود از این‌ها استظهار استحباب و حکم کرد که می‌گوید دعا در این جاها مستجاب می‌شود یا این که نه بر فرض این که دعا بشود این دعا مستجاب می‌شود؟

۴ -- همان، ص ۱۱۶.

## الف. استحباب خاص

ملازمه عقلی و چیزی در این جا وجود ندارد که بگوییم دعا که گفتیم جایی مستجاب می‌شود پس این نشان می‌دهد که دعا مستحب است ولی از نظر عرفی بعید نیست یک ملازمه عرفی یا چیزی در این جا وجود داشته باشد یعنی با توجه به اطلاعات و تأکیدی که نسبت به کل دعا و اصل دعا وجود دارد بعید نیست از این‌ها یک رجحان خاص استفاده شود، این چیزی است که ممکن است نهایت چیزی که کسی در این جا بگوید این باشد که یک نوع ملازمه عرفی و تفاهم عرفی با ملاحظه آن اطلاعات در این جا وجود دارد برای این که این دعاها استحباب خاص دارد ولی به نظر می‌آید اگر فقط ما بودیم و این، نمی‌شد به این استتهاد کرد برای یک استحباب خاص.

## ب. استحباب عام

استحباب عام که می‌گوید برای دیگران دعا کن، والدین و ولد را هم شامل می‌شود و آن بحث اولمان بود، این که می‌گوید دعای این‌ها مستجاب است معنایش این نیست که به عنوان خاص یک دعا دارد و عرفاً هم ملازمه‌ای ندارد. این یک دسته از روایات است که کم نیست و بین آن‌ها معتبر هم هست که می‌گوید دعاهایی مستجاب است که شاید حدود ده دعای مستجاب از نظر اشخاص شود، به نظر می‌آید نمی‌شود از این استفاده استحباب خاص کرد و بیشتر یک گزاره توصیفی را بیان می‌کند نه یک گزاره فقهی و تجویزی.

## اخبار و ترغیب بر دعا در روایات

ترغیب به عنوان خاص نمی‌آید والا اگر دعا خوب نبود و رجحان نداشت خیلی وجهی نداشت ولی به عنوان خاصش خیلی واضح نیست، یعنی اگر ما هیچ دلیل دیگری نداشتیم و می‌خواستیم از این استفاده کنیم و بگوییم غیر از استحباب کلی دعا، دعای در این جا مستحب خاص است، این خیلی واضح نیست. می‌گوید که جایی گفته‌ام که همه دعا برای دیگران مستحب است و تأکید و ترغیب هم کرده‌ام، بین آن‌ها می‌گوید که این چند تا مستجاب می‌شود. اگر به طور کلی گفته است دعا مستحب است و در جاهایی هم می‌گوید که این جا مقبول است که این به اجابت نزدیک تر است یعنی خبر می‌دهد. اگر گفت *أكرم العالم* و دلیل دیگری گفت *أكرم العالم العادل*، این‌ها همه مطلق بر مقید نمی‌شود منتها در *عالم العادل* دو حکم وجود دارد، در این جا هم می‌خواهد بگوید که دعا برای دیگران خوب است اما این دعا غیر از آن مطلق یک دلیل ویژه و خاص هم داشته باشد این با استظهار ما تمام شود و این ملازمه عرفی اثبات شود و دو جور حکم می‌شود از این به دست آورد، یکی این که بگوییم این جمله کنایه از استحباب است و ترغیب است و

یکی هم این است که بگوییم این خودش اخبار می‌دهد منتها این ملازم با یک نوع ترغیب و تشویق است و حکم است که در هر دو مقداری تأمل است گرچه موضوع و اصل مبحث مستند به روایات دیگر است.

## بیان روایات دیگر

این هم یک دسته از روایات است که در این جا وجود دارد، ادله و ابواب دیگری هم در این جا وجود دارد که به آن‌ها هم اشاره می‌کنم: روایت دیگری که معتبر نیست در بحار جلد ۱۰۴ باب فضل اولاد حدیث ۷۰ است که حدیثی است که مقطوعه است و سندی ندارد و از عده الداعی نقل شده است که «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَكَدَّهُ عَلَىٰ بَرِّهِ وَهُوَ أَنْ يَعْفُوَ عَنْ سَيِّئِهِ وَيَدْعُو لَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ»<sup>۵</sup>. که می‌گوید اعانه بر بر نسبت به اولاد این است که از گناهانش در گذرد و برای او دعا کند که این حدیث در آن جا آمده است ولی البته معتبر نیست.

در چند جای دیگر وسائل هم آمده است که آن‌ها را بعداً می‌بینید، یکی در وسائل ابواب و احکام اولاد باب ۸ تا ۱۰ است و ابواب مقدمات نکاح باب ۶۸ که در این دو جا هم روایاتی آمده است، آن ادله‌ای که در آن جا آمده است بیشتر برای طلب و درخواست اولاد صالح است.

## «درخواست اولاد صالح» در روایات

بنابراین یک تعدادی از روایات ما داریم که دعای برای اولاد است و آیات قرآن را هم به دو بخش تقسیم کردیم که در چند جا روایاتش آمده است یا همین روایتی که الآن خوانده شد و تعداد زیادی روایات هم داریم که در بین آن‌ها هم روایات معتبری است که درخواست اولاد صالح است که در این قسم طایفه دوم یعنی درخواست اولاد صالح در این جا روایات معتبر و خیلی واضح داریم که بعضی از ابوابش را خواندیم و الآن شما را به آن ابواب ارجاع می‌دهم، یکی ابواب و احکام اولاد باب ۸ تا ۱۰ است که سه باب است که به این اشاره دارد و روایات متعدد و معتبر دارد و یکی هم در مقدمات نکاح باب ۶۸ است که ملاحظه می‌کنید، در بحار هم جلد ۱۰۴ بابی است به نام کیفیت نشوء الولد و الدعاء و التداوی لطلب الولد که در این سه جا در وسائل و بحار روایات متعدد و معتبری آمده است.

<sup>۵</sup> - بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۱، ص ۹۸.

## جمع‌بندی روایات

بنابراین یک گروه از روایات و ادله یا دلالت دارد و یا مشعر به دعای برای اولاد است یعنی برای خیر آنها است و در دعاهای قرآنی زیاد بود و یک طایفه هم آن‌هایی است که برای طلب ولد صالح است که در این طایفه دوم روایات قوی تر و محکم تر و متعددتر است که می‌شود آن را ملاحظه کرد. بر این ادله می‌شود دعاهایی را که برای فرزند وارد شده است افزود، چه امور مادی‌شان و چه امور معنوی‌شان که این دعاها هم متعدد است گرچه هر کدام شاید به لحاظ سندی قابل خدشه‌ای باشد.

## دلالت دعای ۲۵ صحیفه سجادیه

ولی اگر ما بحث صحیفه را به نحوی درست کنیم معتبرترینش همان دعای ۲۵ است که امام سجاد دعا می‌کند و هم دعای مادی برای آن‌ها دارد و هم دعای معنوی برای آن‌ها دارد که در صحیفه آمده است و طبعاً این سیره امام مفید استحباب است، ما گفتیم اصل سیره دلالت بر جواز است اما با قرائنی دلالت بر استحباب می‌کند و با یک قرائن خیلی دقیق تری دلالت بر وجوب و الزام هم می‌تواند بکند که قواعدش را قبلاً گفتیم و در اصول خیلی مفصل بحث نشده است ولی ما چند بار این را بحث کردیم، در این جا مسلم این دعاهایی که ائمه طاهرین برای اولادشان می‌کنند مسلم مفید رجحان است و این طور نیست که سیره‌ای باشد که فقط بگوید این‌ها جایز است چون اصل مناسبات حکم موضوع و فضای دعا کردن و از خدا خواستن، این یک فضای رجحانی است و یک امر مورد ترغیبی است که امام انجام می‌دهد، از آن افعال عادی معمولی نیست که بگوییم انجامش افاده جواز بالمعنی العام می‌کند، بلکه در فضای شرعی خاصی است که حداقل مفید رجحان است. این هم مجموعه دعاها است که مهم‌ترین آن‌ها دعای ۲۵ صحیفه است. اگر بخواهیم صحیفه سجادیه را خیلی به دقت نگاه کنیم خالی از ضعف نیست ولی طوری است که با قرائن بیرونی یکی از جاهایی است که می‌شود به آن اعتماد کرد، دو سند دارد، در واقع دو نسخه بود که یکی دست زید افتاده بود و یکی هم به دست امام باقر و امام صادق رسیده بود و بعد راوی می‌گوید وقتی تطبیق دادم دیدم این‌ها مثل هم است، در هر دو سند کسانی که توثیق خاص نشده‌اند وجود دارند و مشکلی که یک مقدار دارد این است که اشتهارش در قرن‌های متأخر پیدا شده است و شاید در آن قرن اول چنین اشتهاری نبوده است ولی با همه این‌ها این شکل از ادعیه چیزی است که نمی‌شود کنار گذاشت و به نظرم قابل استشهاد فقهی هم است، این همان تغییراتی است که در ذهن ما در طول ده سال در بحث‌های رجالی پیدا شد و فکر می‌کنیم که در رجال علیرغم این که ما باز توثیق سندی و این‌ها را مهم

می‌دانیم و باید هم روی آن کار کرد اما در یک جاهایی تراکم شواهد طوری است که عرف در آن فضای عرفی هم نمی‌تواند آن را کنار بگذارد و به آن اعتماد می‌کند.

## «دعا» مصداق برّ

یک نکته دیگر در این جا عمومات برّ و احسان به اولاد است که قطعاً از مصادیق برّ و احسان به اولاد دعای برای آن‌ها است چون وقتی روایات دعا را ببینیم معلوم است که این دعا که ترغیب می‌کند که برای دیگران انجام بده این‌ها همه نوعی برّ و احسان و نیکی به دیگران است و لذا همه ادله‌ای که سابق می‌گفتیم یعنی برّ به اولاد و احسان به اولاد و عناوین عامه‌ای که در این زمینه داشتیم آن‌ها هم شامل این جا می‌شود؛ بنابراین دعای برای اولاد، چه صاحب ولد شدن با قید ولد صالح و چه دعا برای اولادی که موجود هستند هر دو قطعاً مستحب مؤکد است و آن دعای برای ولد صالح آن هم در قرآن و در سیره ائمه بود و هم در روایاتی که آدرس دادم و معتبر است وجود دارد.

## دلایل استحباب «دعا برای فرزند»

دعای برای اولادی که موجود هستند این هم از سه منظر کلی قابل اثبات است، یکی اصل دعای للغير است که شامل این جا هم می‌شود منتها به عنوان کلی است، یکی عنوان عامی است که برّ و احسان به اولاد را توصیه کرده است که شامل دعا هم می‌شود. دلیل اول مطلق دعا است که شامل اولاد هم می‌شود اما دلیل دوم می‌گوید برّ و احسان به فرزندان که در آن صورت شامل دعا هم می‌شود، این دو نوع است که این‌ها عمومات است.

اما ادله خاصه دعا برای اولاد ولو این که در هر کدام از آن ادله یک خدشه‌ای می‌شود کرد مثلاً این دعاهایی که در صحیفه یا در جاهای دیگر وارد شده است اگر کسی سند بپذیرد خیلی خوب است و اگر هم نپذیرد بالاخره یک مجموعه است، آن بابی هم که می‌گفت دعای برای اولاد مستجاب می‌شود که روایات متعدد و معتبر دارد آن هم ممکن است کسی خدشه‌ای در دلالتش کند، بعضی روایات خاص هم که آن یَدْعُو لَهُ فَيَمَّا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ که در این روایت عدّه الداعی است و یک دو جاها هم هست که قبلاً خواندیم و آن هم سند تامی ندارد؛ اما مجموعه آن دعاها و سیره و این دو سه طایفه خاص همه این‌ها مطمئناً کافی است برای این که بگوییم که دعای برای اولاد مستحب است حتی اگر آیات قرآن را نداشتیم.



## دعا به عنوان روش تربیتی

بنابراین ما فکر می‌کنیم که در اقدامات تربیتی و روش‌های تربیتی دعا یک جایگاه مهمی در فقه ما دارد، البته دعا مستحب است و بیش از استحباب نیست اما مستحب مؤکد است، چه برای صاحب فرزند صالح شدن و چه برای فرزندان، آن هم چه برای امور دنیایی آن‌ها و چه برای امور اخروی آن‌ها که همه این‌ها مستدل است و ادله خوب و جامع و واضحی برای استحباب و حکم به استحباب این دعا وجود دارد و به ملاحظه این که دعا تأثیر دارد و به والدین توصیه شده است طبعاً می‌شود آن را به عنوان یک اقدام تربیتی به حساب آورد گرچه اصولاً دعا فی حد نفسه برای شخص یک مستحبی است که خودش ثواب می‌برد، اما به دلیل این که دعا یک مقوله اثرگذار است و استجاب در آن وجود دارد و به خصوص در اولاد روایات معتبر می‌گوید که مستجاب است، می‌شود این را در نظام تربیتی اسلام به عنوان یک شیوه و روش تربیتی به حساب آوریم، بنابراین دعا به عنوان یک روش تربیتی مستحب است و با دامنه و عرض عریضی که دارد در نظام تربیتی اسلام مورد توجه است؛ بنابراین ما می‌توانیم دعا را به لیست مباحثی که داشتیم اضافه کنیم و به عنوان یک روش عام و در حوزه تربیت خانوادگی استفاده کنیم. این اقدام، اقدام تربیتی است یعنی او را عوض می‌کند و او را صالح می‌کند و از گناه پاکش می‌کند یعنی گاهی به او می‌گوید و او را وعظ و نصیحت می‌کند یا اقدام دیگر تربیتی انجام می‌دهد، اما گاهی است که خودش نمی‌فهمد، ما این را بارها گفته‌ایم که تفاوت نظام تربیتی اسلام با سایر نظام‌های تربیتی در این تمهیدات و اقدامات تربیتی است که طرف خودش متوجه نمی‌شود.

## دعا در «سند آموزش و پرورش»

در سند آموزش و پرورش که نوشته می‌شود و کارهایی انجام شده است و الآن هم نقد مجدد می‌شود یکی از بحث‌هایش این است که بعضی در تربیت خیلی مواجهه رویاروی و اثرپذیری آگاهانه متربی را برجسته کرده‌اند و بعضی از آقایان نظریه‌ای به عنوان انسان عامل دارند و در تربیت هم انسان عامل را مبنا قرار می‌دهند، آن نظریه غیر از این که مشکلات بنیادی دارد، یکی از چیزهایی که به آن وارد است این است که تمام نگاه تربیتی اسلام را نمی‌شود در آن گنجانند، برای این که آن نظریه می‌گوید که متربی آگاه و شاعر به مسئله این محور تربیت است در حالی که ما فرزند را و آن فرد انسانی را حتی قبل از تولدش، آن را محور تربیت می‌دانیم و اسلام به آن به طور کلی نگاه دارد و تمرکز اسلام بر روش‌های وعظ و نصیحت و چیزهای مستقیم نیست گرچه این‌ها خیلی مهم است اما آن پیش‌بینی‌ها و پیش‌گیری‌های قبل از تولد هنگام وضع حمل و بعد در یکی دو سال اول که آگاهی و شعور نیست خیلی مهم است و دعا در این مقوله می‌گنجد و حتی بعد از بزرگ شدن که فرد آگاه است باز وجود دارد و اثر هم دارد، اظهار آن اظهار

محبت است و آن یک امر مضاعفی است و البته اظهار محبت مستحب است و اگر دعا هم اظهار محبتی باشد آن هم روش ترکیبی مضاعف است و دلیل هم داریم و این را قبلاً بحث کردیم اما اصل دعا ولو این که نفهمد و جالب این است که در روایت می‌گوید آن ظَهْرَ غِیْبِه باشد که این باز استحباب مؤکد دارد، ظَهْرَ غِیْبِه که گفته می‌شود فرض واضح این است که او اصلاً نمی‌فهمد.

بنابراین ما در آیات دلالت‌ها را تقویت کردیم، در روایات دلالت‌ها واضح تر بود منتها سند یک مقدار مشکل بود که جمع کردیم و درستش کردیم ولی این‌ها مجموعاً به خوبی یک استحباب مؤکد به عنوان یک اقدام تربیتی را افاده می‌کند.

و صلی‌الله علی محمد و آل محمد